



انسداد نویسنده

داستان سانسور در ایران



از زمان اسکندر تا تیمور لنگ تا حزب‌الله، کتاب‌های ما را سوزانده‌اند، کتابخانه‌های ما را نابود کرده‌اند، زبان ما را سانسور کرده‌اند و تاریخ ما را تحریف کرده‌اند. اما ما روند دیگری را هم دیده‌ایم. پس از هر شکست، فرهنگ ما توان خود را بازیافته است و خلاقیت خود را به دست آورده است، مانند ققنوسی که از خاکسترش برخاسته است.

آذر محلوجیان،

ققنوس از خاکستر: داستان کتاب در ایران

گواه

دوستان شاعری که با یک ناشر کتاب شعر درآورده‌اند به من می‌گفتند که مشاور بخش شعرش اعمالِ تغییراتی را در کلمات و سطرهای اشعار آنها (پیش از فرستادن به وزارت ارشاد) پیشنهاد داده است.

کلمات و سطرهایی که به نظر مشاورِ آن ناشر، حالت تابوشکنی داشته یا از خط قرمزی عبور کرده، با کلمات و سطرهایی خنثی جایگزین شده است. این یعنی تبدیل شدنِ ناشر به سانسورچی، که خیلی دردناک است.

سپیده جدیری // شاعر

پروسه‌ای که ایران در آن خیلی ضعیف است بخش ادیتوریال است. معمولا این طوری است که ناشران یا کتاب را قبول می‌کنند یا رد می‌کنند. کتاب را ادیت نمی‌کنند. و وقتی کتاب ادیت نمی‌شود، سلطنت مطلقه نویسنده است. در اروپا ادیتورها قوی هستند و در ایران نویسنده‌ها قوی هستند.

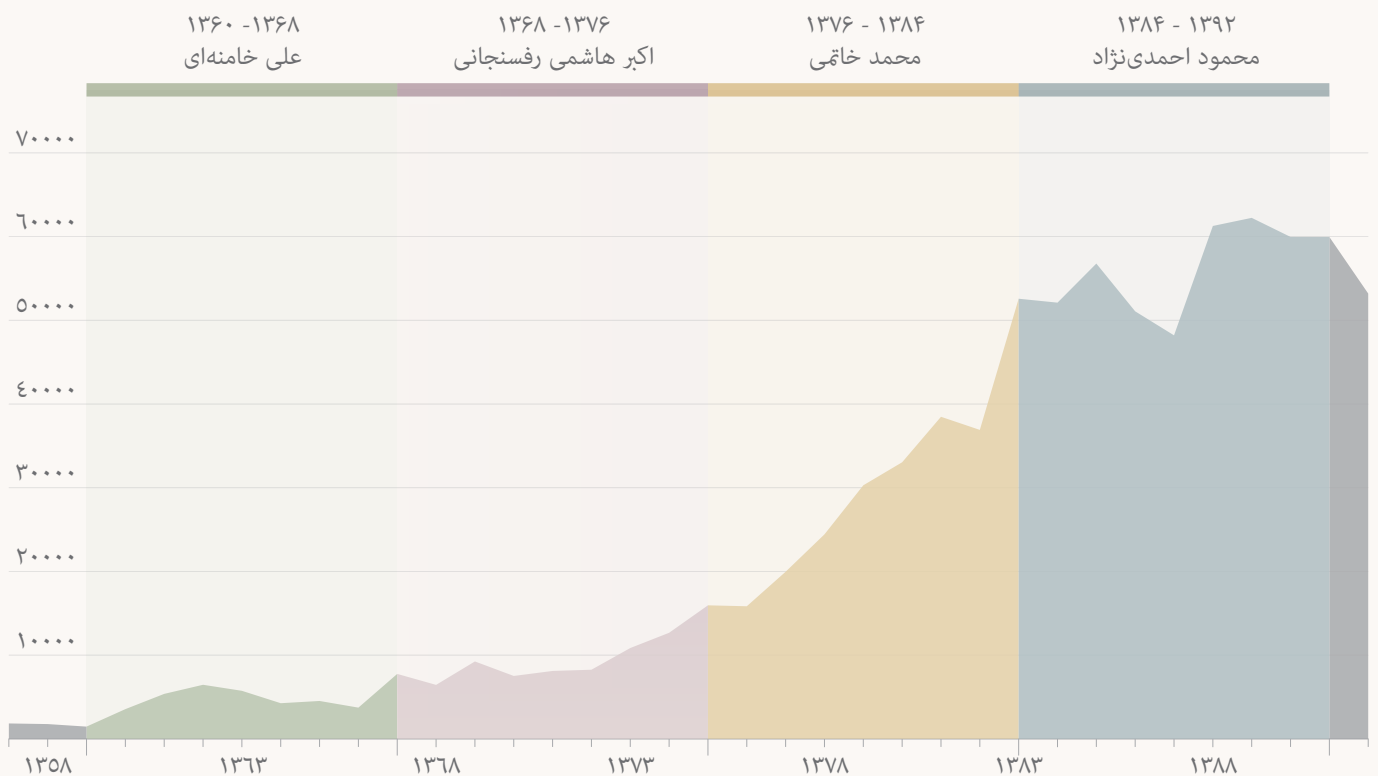
نویسنده‌ها اغلب حرف ادیتورها را قبول نمی‌کنند، بهشان گوش نمی‌کنند. بنابراین اصلا این شغل در ایران وجود ندارد. ادیتور به معنای ساختاری و محتوایی وجود ندارد. ادیتور شکلی وجود دارد مثلا علامات سجاوندی می‌گذارند، هیچکس نیست به نویسنده‌ها کمک کند برای بهبود داستان و نویسنده‌ها هم قبول ندارند که توصیه‌های ادیتور را قبول کنند.

محمد طلوعی // نویسنده



نگاهی به آرشیو

تعداد عنوان منتشر شده در هر دوره



که البته باید در نظر گرفت که جمعیت ایران هم بزرگ‌تر شده است. بنابراین اجازه بدهید نمودار را بر اساس سرانه کتاب‌های منتشر شده ترسیم کنیم.

حالا می‌توانیم بعضی از نقاط بحث‌برانگیز نمودارمان را تشخیص دهیم. در سال ۱۳۵۹ رکود و کاهش بزرگی به چشم می‌خورد و برعکس می‌بینیم که در خلال سال‌های ۱۳۷۲ - ۱۳۸۴، دوره شکوفایی نشر بوده است که پس از آن افولی دیگر اتفاق می‌افتد.

دلیل این بی‌نظمی‌ها در این آمار چیست؟ در ادامه سعی می‌کنیم این نوسانات را در بازه‌های زمانی مشخص بررسی کنیم.

خانه کتاب ایران مسوول تهیه و نگهداری بانک اطلاعات تمامی کتاب‌های منتشر شده است. این بانک اطلاعاتی بزرگ شامل حدود یک میلیون عنوان کتاب است.

تا جایی که ما می‌دانیم، تا به حال کسی نگاه کاملی به این آمار نکرده است. به همین دلیل موسسه رسانه‌های خرد (Small Media) تصمیم گرفت به سراغ این آمار برود و جزئیات نهفته‌اش را آشکار کند. این گزارش سعی می‌کند قطعات مختلف اطلاعات صنعت نشر ایران را از انقلاب ۱۳۵۷ به این طرف، کنار هم بگذارد و روندهایی که در گذشته و حال اتفاق افتاده و می‌افتند را به نمایش بگذارد. همچنین چشم‌اندازی از آینده نشر ایران به دست دهد.

اگر نگاهی به تعداد عناوین منتشرشده در این سی و اندی سال بیندازید، طبیعی است که تعداد کتاب‌های منتشر شده رشد مداومی داشته است

فصل اول

داستان ادبیات ایران

من آنجا کار می‌کردم. هاشمی رفسنجانی یکی از بهترین دوره‌های پس از انقلاب را مدیریت می‌کرد. اما بعد از آنکه اصولگرایان به خاتمی فشار آوردند، او مجبور شد از مقام وزارت کناره‌گیری کند. حتی پس از آن وقتی علی لاریجانی وزیر جدید روی کار آمد، مدیر اداره کتاب احمد مسجدجامعی بود که مهم‌ترین چهره در نشر ایران بعد از انقلاب است.

مسجدجامعی سعی کرد فضای باز اندکی را که حول نشر کتاب ایجاد شده بود، حفظ کند. در زمان احمدی‌نژاد بود که همه‌چیز تغییر کرد. او مدیران و پرسنل و روال کاری را تغییر داد.

علی اصغر رمضان‌پور،

معاون فرهنگی سابق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جنگ در سال ۱۳۶۷ به پایان رسید، رهبر ایران، آیت‌الله خمینی، در سال ۱۳۶۸ درگذشت و هاشمی رفسنجانی میانه‌رو در همان سال به ریاست جمهوری انتخاب شد.

رفسنجانی رادیکال نبود. او سازندگی اقتصادی پس از جنگ را در راس برنامه خود داشت و وزیر فرهنگ لیبرال خود - رییس جمهور آینده محمد خاتمی - را برای مدیریت سیاست‌های نشر انتخاب کرد.

تغییرات در صنعت نشر بین ریاست جمهوری رفسنجانی و خاتمی نامحسوس بود و به نظر سیاست‌ها با تغییرات اندکی مواجه بودند. هیچ اختلالی در رشد نشر ایران در این محدوده زمانی دیده نمی‌شود.

در زمان خاتمی نسبت به هر دوره قبلی، تعداد عنوان بیشتری کتاب منتشر شد. بعضی از نویسندگان آن را «عصر طلایی» نشر در ایران می‌دانند؛ زمان تسلط اصلاح‌طلبان.

انتخاب علی خامنه‌ای در سال ۱۳۶۰ وضعیت سیاسی ایران بعد از انقلاب را پایدار کرد. این پایداری البته در پی اعدام‌های گروهی و ترور گسترده و کنترل شدید حکومت بر تمام جوانب زندگی اجتماعی حاصل شد.

در مراسم سوگند خوردن ریاست جمهوری، خامنه‌ای عهد کرد که هرگونه انحراف، لیبرالیسم، و چپ‌های تاثیرگرفته از آمریکا را ریشه‌کن کند. چنین حمله‌ای به دشمنان فرضی نیروی محرک زمان جنگ و سیاست‌های فرهنگی آن دوران بود.

در سال ۱۳۶۳، جمهوری اسلامی قدرت و اختیارات دستگاه قدیمی سانسور را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتقل کرد. شیبی که در این محدود زمانی مشاهده می‌کنید نتیجه همین واقعه است. سانسور دوباره بازگشته بود و این بار گسترده‌تر از گذشته.

با پایان دهه شصت، سیاست و جامعه ایران تغییرات بزرگی به خود دید.

گواه

میان دو دوره ریاست جمهوری آقای خامنه‌ای نیز، دوره‌ی نخست کم‌چالش‌تر بود، یعنی دوره‌ای که آقای خسرو طالب‌زاده ریاست اداره‌ی کتاب را در وزارت ارشاد بر عهده داشت. به نظر من حضور فردی چون آقای طالب‌زاده در عرصه‌ی فرهنگی، در کل دوران پس از انقلاب ۱۳۵۷، یک اتفاق بود.

اگر درست خاطرم باشد، ایشان خود در گفت‌وگویی با روزنامه‌ی یاس نو درباره‌ی آن دوران گفته بود که چون در کل، به سانسور کتاب و کالاهای فرهنگی اعتقادی ندارد، رویکردش این بوده که همه‌ی کتاب‌ها منتشر شوند و خود مردم انتخاب کنند که کدام کتاب را بخوانند و کدام را نخوانند.

این رویکرد بسیار قابل احترام است و به نظر من در کل دوران جمهوری اسلامی، رویکرد کاملاً نادری است.

سپیده جدیری، شاعر

به نظر من در دوره احمدی‌نژاد، فضای سانسور فضای بازتری بود به یک دلیل. به خاطر اینکه کسانی که کتاب را می‌خواندند و سانسور می‌کردند، آدم‌هایی بودند که کتاب را نمی‌شناختند. نمی‌فهمیدند چه باید بکنند. در دوره خامنه‌ای و روحانی‌آدم‌های که دارند کتاب را سانسور می‌کنند، کتاب را می‌شناسند.

به نظر من در دوره احمدی‌نژاد، فضای سانسور فضای بازتری بود به فاصله بین ما و اصول‌گرایان آن‌قدر زیاد است که اکثراً چیزهایی را که ما می‌نویسیم نمی‌فهمند ولی [فاصله] با اصلاح‌طلب‌ها کم است. نمی‌شود گول شان زد، باهوش‌تر هستند.

مهسا محب‌علی، نویسنده

بدترین چیز سانسورچی باهوش است. سانسورچی باهوش چیزهایی را حذف می‌کند که حتی نویسنده هم خودش نفهمیده و او تفسیر می‌کند. در حکومت‌های فئادیک آدم‌هایی را می‌آوردند که فقط فحش‌های مستقیم را می‌فهمیدند. اگر شما کمی متافوریک می‌کردید و با کنایه حرف می‌زدید، دیگر نمی‌فهمیدند چه می‌گویید و کتاب را قبول می‌کردند.



در زمان ریاست جمهوری احمدی نژاد، اداره‌ای در پس اداره کتاب تشکیل شد که از طرف وزارت اطلاعات حمایت می‌شد. این اداره غیررسمی بود اما به صورت موثر مسئول تصمیم‌گیری در مورد نشر هر کتاب یا توقیف ناشران بود، مثل داستان نشر چشمه. تغییر اساسی احمدی نژاد این بود که قدرت و اختیارات تصمیم‌گیری را از وزارت ارشاد به وزارت اطلاعات منتقل کرد.

علی اصغر رمضان پور،

معاون فرهنگی سابق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

در این دوره، نظارت دولت بر صنعت نشر به صورت گسترده افزایش یافت و فضای سیاسی و اجتماعی بیش از گذشته تحت کنترل دولت بود. این وضعیت پس از انتخابات ۱۳۸۸ و وقایع پس از آن بغرنج‌تر شد.

داده‌های ما از خانه کتاب ممکن است نتواند اثرات منفی دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد را به درستی منعکس کند. افزایش آمار نشر بین سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ با تصویری که بقیه اجزا و دست‌اندرکاران این صنعت به ما می‌دهد کاملاً متناقض است. تمام کسانی که در این زمینه با آنها صحبت کردیم یک زبان معتقدند که این دوره سخت‌ترین دوره تاریخی پس از انقلاب بوده است.

روند صعودی داده‌های ما می‌توانست واقعی و درست باشد اما به نظر می‌رسد که از آثار کتابسازی دولتی است. وزارت ارشاد با اختیاراتی که داشت می‌توانست آمار نشر را بالا برد و در این میان بسیاری از ناشران هم بودند که با کمال میل از آنها حمایت می‌کردند یا به عبارت دیگر در این کار با آنها همراه بودند.

البته این به آن معنا نیست که سانسوری وجود نداشته است. هرچند وزارت ارشاد خاتمی آسان‌گیرتر از وزارتخانه‌های دیگر بود اما بعضی معتقدند ممیزان باسوادتر و باهوش‌تری در آن زمان در اداره کتاب کار می‌کرده‌اند که کمی کار را برای نویسندگان و ناشران سخت می‌کرد و دورزدن آنها را هم پیچیده‌تر.

سکونی که بین سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ دیده می‌شود، نشان دهنده تغییرات بنیادین در سیستم نشر است. در سال ۱۳۸۴، احمدی نژاد حسین صفار هرنندی را به عنوان وزیر فرهنگ برگزید. این فاجعه‌ای بزرگ برای نویسندگان ایرانی بود. او بسیاری از مجوزهایی را که در زمان خاتمی صادر شده بود لغو کرد و ناشران را مجبور کرد که برای اخذ مجوز دوباره، به پرسنل جدید وزارت ارشاد مراجعه کنند.

علاوه بر آن، یک کمیته‌ی مخفی هم متشکل از کارکنان سابق وزارت اطلاعات در پس وزارت ارشاد تشکیل شده بود که اجازه و اختیار سانسور داشت.

گواه

کل این افزایش آماری به خاطر فرایند کتابسازی است. وزارت ارشاد برای بالابردن آمار نشر در بانک داده‌های خود، اجازه داد که بسیاری از مقالات دانشگاهی اعم از حقیقی یا قلابی، که توسط دانشجویان و فقط برای استفاده دانشگاهی نوشته شده بود، منتشر شود و وارد آمار خانه کتاب شود.

علی اصغر رمضان‌پور، معاون فرهنگی سابق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

اما جریان کتابسازی به این موارد محدود نبوده است. افشین شحنه‌تبار، مدیر نشر شمع و مه، از نوع دیگری از کتابسازی می‌گوید:

سال‌ها پیش وقتی به ناشرین حواله کاغذ می‌دادند، ماموری از طرف ارشاد می‌آمد و کتاب‌ها را در صحافی شمارش می‌کرد. در آن زمان آمار تیراژ خیلی قابل اطمینان‌تر بود. اما الان این‌طور نیست. مخصوصاً از ۷-۸ سال پیش که وزارت ارشاد مبنای تمدید مجوز نشر را - مجوز نشر دائمی نیست و دوره‌های یک، دو یا سه ساله دارد - چاپ ۴ عنوان گذاشتند. ناشرین غیرفعال برای تمدید این مجوز کار بی‌محتوایی را با کپی کردن و چسباندن مطالب به هم تولید می‌کنند و در کتابخانه ملی ثبت می‌کنند و از آن تعداد محدودی مثلاً ۱۰ تا ۲۰ جلد چاپ دیجیتال می‌زنند. اما بعد از رفتن ارشاد تیراژ را ۱۰۰۰ اعلام می‌کنند.

افشین شحنه‌تبار، مدیر نشر شمع و مه (مصاحبه، ۲۰۱۵)

حوادث ۸۸ تأثیر بسیار چشمگیری داشت. حرکتی کاملاً به سمت عقب در عرصه نشر اتفاق افتاد. بسیاری از شاعران و نویسندگان به گل از چاپ کتاب‌هایشان ناامید شدند. و یادم می‌آید که چندین ناشر مجوز نشرشان باطل شد. حتی کافه کتاب نشر ثالث را مدت زمانی طولانی تعطیل کردند مبادا شاعران و نویسندگان در آنجا تجمعی داشته باشند.

فشار ممیزی به حدی رسید که خیلی از رمان‌ها دیگر اصلاحیه نمی‌خوردند و به کل رد می‌شدند. برای این مورد نمی‌شد هیچ کاری کرد. تازه چنین جوابی بعد از دو یا سه سال به نویسنده ابلاغ می‌شد و طبیعی است که این فشار برای یک نویسنده جوان چقدر غیرقابل تحمل باشد. خیلی‌ها همین‌طوری دیگر قید نوشتن را زدند.

آنی‌تایار محمدی، نویسنده

سپیده جدیری، شاعر



سه تغییر عمده که تاکنون در زمان روحانی رخ داده است:

۱. مدیران و ممیزان تعویض شده‌اند. دولت جدید مدیر اداره کتاب را تغییر داده است بنابراین ارتباط وزارتخانه با ناشران بهتر شده است.
۲. کمیته اطلاعاتی غیررسمی‌ای که در پس وزارت ارشاد فعالیت می‌کرد، منحل شد.
۳. وزارت ارشاد فشار خود را برای انتشار کتاب‌هایی که مورد نظر دولت است، بر ناشران کم کرده.

علی اصغر رمضان‌پور،

معاون فرهنگی سابق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

گزارش‌هایی که از داخل ایران می‌آید، اظهار می‌کنند که وزارت ارشاد روحانی سریع‌تر از قبل بررسی کتاب‌ها را انجام می‌دهد که حدوداً یک‌ماهه است. ارتباط وزارت ارشاد با ناشران هم بهبود یافته است. به نظر می‌رسد مداخله دولت در چرخه نشر که در زمان احمدی‌نژاد به اوج خود رسیده بود، حالا کمی عقب‌نشینی کرده است. نویسندگان امیدوارند که این آغاز دوره دیگری از لیبرالیسم باشد.

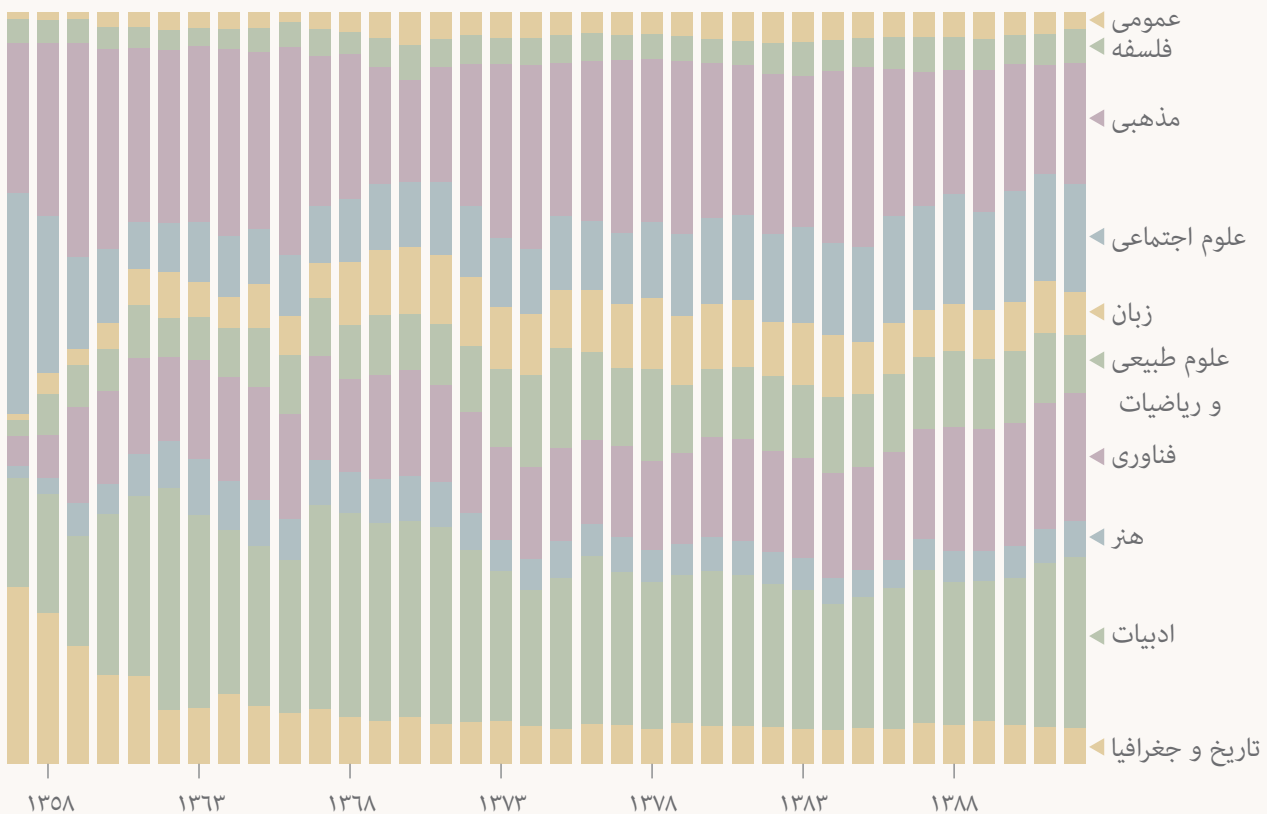
برای بررسی عملکرد وزارت ارشاد روحانی هنوز زود است. ما تازه به میانه راه دوره ریاست جمهوری او رسیده‌ایم و آمار دو سال گذشته خانه کتاب برای قضاوت و نتیجه‌گیری و تایید بهبود حال صنعت نشر در دوران او، کافی نیست.

البته آمار نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۳۹۲ و ۹۳، یعنی حین انتقال اداره وزارتخانه از دولت احمدی‌نژاد به دولت روحانی، کاهش قابل‌توجهی رخ داده است اما آنچه ما از دست‌اندرکاران نشر می‌شنویم این است که اوضاع دارد بهتر می‌شود.

فصل اول

تفکیک کتاب‌ها بر اساس ژانر در دوره‌های مختلف

ژانر کتاب‌های منتشر شده در ایران: ۱۳۹۳ - ۱۳۵۷



ادبیات داستانی بعد از کتاب‌های مذهبی، ژانری است که بیشترین تعداد عنوان منتشر شده را دارد که از دهه‌ی هفتاد به این طرف حدود ۲۰٪ عناوین منتشر شده را به خود اختصاص داده است. از آنجا که آثار داستانی در بین ژانرهای دیگر هدف بیشترین سانسور قرار می‌گیرند، بهترین مقیاس برای اندازه‌گیری شدت و حدت سانسور کتاب در ایران است.

تغییر وضعیت سیاسی نه تنها در تعداد کتاب‌های منتشر شده تأثیر گذاشته است، بلکه در نوع و ژانر کتاب‌هایی هم که منتشر شده تأثیر داشته است. خروجی صنعت نشر ایران در زمان جنگ بسیار متفاوت از زمان خاتمی است و همین‌طور کتاب‌های دوران رفسنجانی از زمان احمدی‌نژاد.

در زمان احمدی‌نژاد، تعداد کتاب‌های ادبیات داستانی به پایین‌ترین حد خود رسیده بود. در سال ۱۳۸۵، تنها ۱۶.۷٪ کل کتاب‌ها را ادبیات داستانی تشکیل می‌داد. درست برخلاف آن دوران، از سال ۱۳۹۳ به بیشترین میزان از زمان خاتمی رسیده است که چیزی حدود ۲۲.۷٪ کتاب‌های منتشر شده است. البته آمار یک سال برای پیش‌بینی کردن یک روند کافی نیست اما در هر صورت این آمار اولین بارقه‌های امید دولت روحانی است که ممکن است بتواند کارنامه سانسور بیش از حد زمان احمدی‌نژاد را به عقب براند.

با تمام تفاوت‌هایی که بین این دوره‌ها وجود دارد، یک چیز ثابت است و آن هم کتاب‌های مذهبی هستند که از سال ۱۳۵۷ تا به حال بیشترین سهم را در میان کتاب‌های منتشر شده داشته است. این کتاب‌ها شامل قرآن، نهج‌البلغه، مفاتیح‌الجنان و دیگر آثار از سراسر دنیای اسلامی می‌شود. تعداد کتاب‌های مذهبی در سال ۱۳۹۲ برابر با ۱۴.۳۰٪ بوده است و در سال ۱۳۸۶ هم معادل ۲۴.۱٪ از کل کتاب‌ها که البته مشخص نیست چه میزان از این کتاب‌ها واقعا خوانده می‌شوند. سهم بزرگی از این کتاب‌ها توسط دولت خریداری می‌شود و بین مسجدها، حوزه‌ها، کتابخانه‌ها و ادارات سراسر کشور توزیع می‌شوند.

فصل دوم

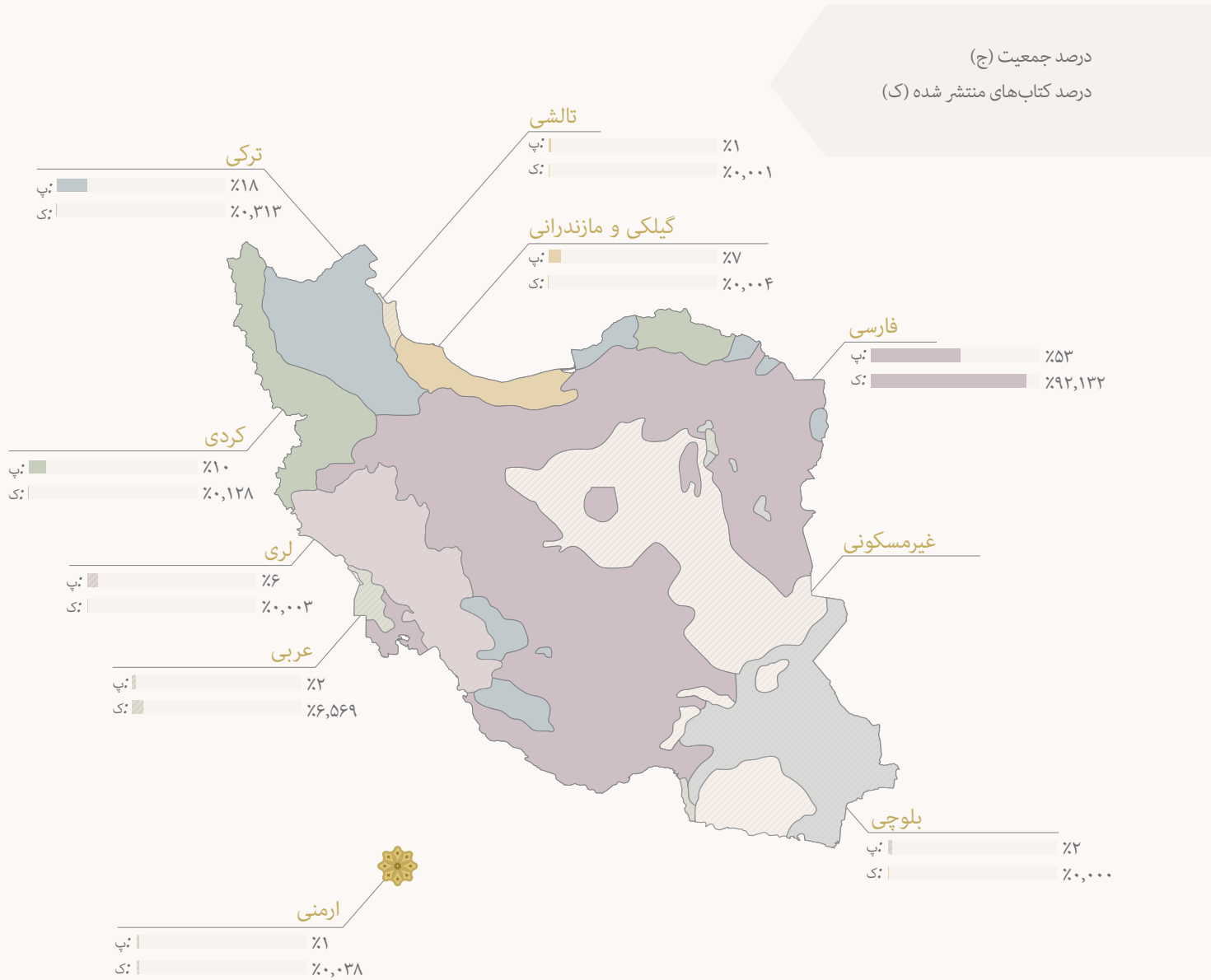
زبان مادری و تبعیض در نشر

زبان ترکی تنها زبانی نیست که مورد بی‌مهری است. کردی زبانی است که مردم در چندین استان کشور همچون کرمانشاه و کردستان به آن صحبت می‌کنند. جمعیتی حدود ۸ میلیون نفر یعنی ۱۰٪ جمعیت کشور. با این حال آمار خانه کتاب می‌گوید که از زمان انقلاب تا به حال تنها ۰.۱۳٪ کتاب‌ها به این زبان نوشته شده‌اند.

بلوچی زبان دیگری است که حدود ۲ میلیون نفر (اکثراً سنی) در استان سیستان و بلوچستان به آن صحبت می‌کنند اما به طور کلی به رسمیت شناخته نمی‌شود و در آمار خانه کتاب هیچ کتابی به این زبان ثبت نشده است. دولت روحانی اعلام کرده است که اقداماتی در زمینه به رسمیت شناختن این زبان خواهد کرد. اخیراً همچنین تدریس به زبان کردی در استان‌های کردنشین توسط دولت او وعده داده شده است.

در جمهوری اسلامی ایران نویسندگان حتی در میزان اعمال سانسور و محدودیت هم برابر نیستند. شما ممکن است نویسنده «نامطلوبی» برای حکومت باشید. اگر این‌طور باشد که کتابتان جایی زیر خروارها کاغذ در وزارت ارشاد دفن خواهد شد. در تئوری، طبق قانون اساسی زبان‌های اقلیت به رسمیت شناخته می‌شوند و حق تحصیل و رسانه و مطبوعات به آنها تعلق می‌گیرد.

در واقعیت، این‌ها وعده‌هایی توخالی است. برای مثال، حدود ۱۰ میلیون ترک آذری در ایران زندگی می‌کنند اما در ۹۰ سال گذشته هیچ دستورالعمل رسمی برای آموزش به این زبان در استان‌های شمال غربی ایران وجود نداشته است. (جوادی، ۲۰۱۰)



توجه: ارمنی‌های ایران در هیچ نقطه‌ای اکثریت ندارند و گروه‌هایی متمرکز در تهران و اصفهان زندگی می‌کنند.

وقتی من مقام معاونت فرهنگی وزارت ارشاد را داشتم، ما به تمام زبان‌ها اعم از کردی، ترکی و بلوچی اجازه می‌دادیم که منتشر شود. دوره‌ای بود که کمترین مشکلات وجود داشت. اما در زمان احمدی‌نژاد هر انتشاراتی زبان اقلیتی توقیف شد و ناشران مجبور بودند کتاب‌هایشان را برای بررسی به تهران بفرستند. وزارت ارشاد با نقض قانون، مجوز انتشار به هیچ کتابی به جز به زبان فارسی را نمی‌داد. (مصاحبه، ۲۰۱۵)

حتما متوجه شده‌اید که یکی از زبان‌های اقلیت که بهتر از دیگر زبان‌ها خودنمایی می‌کند عربی است. اگر چه تنها ۱.۵ درصد جمعیت ایران عرب زبان هستند، ۶.۶٪ کتاب‌های منتشر شده در ایران به زبان عربی است. دلیل اصلی هم همانطور که حدس می‌زنید، امتیاز این زبان به خاطر عربی بودن قرآن است.

علی اصغر رمضان‌پور، معاون فرهنگی سابق وزارت ارشاد درباره زبان‌های در اقلیت می‌گوید که اوضاع همیشه این‌طوری نبوده و انصاف نیست زمان خاچی و احمدی‌نژاد را یکی بدانیم:

فصل دوم

جنس دوم؛ صدای زنان در نشر ایران

جامعه‌ای، کلماتی را که از زبان تن و روح زنانه‌اش جاری می‌شود در آثارش به کار برد، محلی از اعراب ندارد. زن مؤلف در چنین جامعه‌ای می‌بایست تحت سیطره‌ی زبان مردانه و افکار مردسالارانه قلم بزند در غیر این صورت، سرکوب و سانسور می‌شود. (مصاحبه، ۲۰۱۵)

آناهیتا یارمحمدی، نویسنده جوان ساکن تهران حرف‌های جدیری را تایید می‌کند:

شخصیت‌های داستانی یک نویسنده‌ی مرد راحت‌تر می‌توانند جسور و بی‌روا باشند، عاشق بشوند، سیگار بکشند، خیانت یا حتی فحاشی کنند. اما در زمانی که یک خانم می‌نویسد حتی اشاره به موارد بالا یعنی رد شدن کار. به نظرم فاجعه است.

همین جاست که ما [نویسنده‌ها] به تفاوت نظر اساسی با بررها می‌خوریم؛ آن هم این است که می‌شود از دل حتی غیراخلاقی‌ترین ماجراها هم بزرگترین درس‌های اخلاقی را بیرون کشید. اما کجای دنیا زن و شوهری هستند که به خیانت فکر نکنند؟ اگر کسی بگوید هستند، من معتقدم که دروغ می‌گوید! اصلاً همین کشمکش‌های درونی آدم‌هاست که به تعهدشان معنی و ارزش می‌بخشد. (مصاحبه، ۲۰۱۵)

در حال حاضر ۲۳ درصد کتاب‌های منتشر شده توسط زنان تالیف یا ترجمه شده‌اند.

رابطه زنان و انقلاب اسلامی رابطه پیچیده‌ای است. با وجود سرکوب زنان در سال‌های پس از انقلاب، زنان حضور گسترده‌ای در جامعه دارند، آمار بالایی از زنان در دانشگاه‌ها تحصیل می‌کنند و در مسایل اجتماعی و سیاسی درگیر هستند.

تلاش زنان باعث شده که رشد مداوم و آرامی را در صنعت نشر ایران داشته باشند. تنها زمانی‌هایی که نسبت کتاب‌های نوشته شده توسط زنان کاهش یافته، در سال ۱۳۷۴ در دوران ریاست جمهوری رفسنجانی و بعد در ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ در زمان احمدی‌نژاد بوده است.

زنان بیشتر در زمینه ادبیات داستانی فعال هستند. نسبت مشارکت زنان و مردان در زمینه نشر آثار در زمینه فناوری و علوم طبیعی تقریباً مشابه است. البته این آمار نباید به نظر عجیب بیاید. حدود ۷۰٪ دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی زنان هستند.

حوزه‌ای که زنان کمترین مشارکت را در آن دارند، کتاب‌های مذهبی هستند

زنان اما راه سخت‌تری از نویسندگان مرد می‌پیمایند. سپیده جدیری در مورد خطوط قرمز مخصوص زنان به ما می‌گوید:

من به عنوان یک شاعر زن، اگر کلمه‌ی «تن» را در شعرهایم به کار ببرم معمولاً سانسور می‌شود چون از نظر آنها بی‌حیایی‌ست که یک زن درباره‌ی تن خودش یا معشوق‌اش یا کلاً تن، سخن بگوید. اما در مورد مؤلف مرد، این نوع سانسور کمتر رخ می‌دهد. در کل، جامعه و حکومت، هر دو مردسالارند و زنی که بخواهد در چنین

فصل دوم

نویسندگان دگرباش در ایران

آثاری که از من منتشر شده بخشی از ادبیات اقلیت است و بخشی از ادبیات غیراقلیت. اما من در طول این زمان که در این حوزه کار می‌کردم کسانی را ندیده‌ام که این ادبیات را منتشر کنند یا مدیا آنها را معرفی کند. (مصاحبه، ۲۰۱۵)

البته مجبور نیستید حتما خودتان همجنس‌گرا باشید که برای نوشتن از همجنس‌گرایان به دردسر بیفتید. سپیده جدیری که رمان تصویری آبی گرم‌ترین رنگ است را در خارج از کشور ترجمه و منتشر کرده است از طرف محافظه‌کاران و تندرویان داخل کشور مورد انتقاد شدید قرار گرفت:

سپیده جدیری شخصی است که در شعرهایش به دنبال بی‌پروایی جسم است... جدیری در گفتگوهای صورت یافته در مورد این کتاب در خصوص همجنس‌گراها، سخنانی مدافعانه گفت و حتی اعلام نمود که حتی اگر به او تهمت از این مساله بزنند نیز ابایی ندارد، چرا که از نظر او همجنس‌گرایی جرم نیست!

موسسه فرهنگی شهید آوینی

همان‌طور که انتظار می‌رود، در آمار خانه کتاب اثری از ادبیات دگرباشان جنسی نیست. هر متنی که به موضوع همجنس‌گرایی یا دگرباشان بپردازد، از انتشار محروم می‌شود و احتمالاً نویسنده‌اش در لیست سیاه ارشاد قرار می‌گیرد.

پیام فیلی نویسنده ۲۵ ساله‌ای است که همجنس‌گرایی خود را علنی کرده است. تلاش او برای انتشار آثارش در خارج از کشور مشکلات زیادی برایش ایجاد کرده است. فشارها در نهایت او را مجبور به جلا وطنی کرد. او درباره جو نشر ایران و نبود هیچ امکانی برای آثارش در ایران می‌گوید:

مسئله هیچ امکانی داخل ایران برای انتشار ادبیات همجنس‌گرایان وجود ندارد همان‌طور که برای من هم وجود نداشت. من هیچوقت به ذهنم هم نرسید که کتابی را که راوی همجنس‌گرا دارد، به ارشاد بدهم. یادم است که از اوایل شروع به نوشتنش، فکر می‌کردم که سعی کنم یک ناشر خارج از ایران پیدا کنم... انتشاراتی در کانادا هست به نام گیلگمشان که من دو کتاب با آنها منتشر کرده‌ام. آنها سعی می‌کنند ادبیات اقلیت جنسی را منتشر بکنند. اما می‌دانید که نشر کوچکی است و خیلی شناخته شده نیست. بنابراین هر اتفاقی هم آنجا بیفتد بازخوردهای محدودی دارد. در معرض تهدید و خفقان اصلاً چیزی تولید نمی‌شود که بخواهد عرضه شود.

فصل سوم

صنعت بیمار؛ نشر و اقتصاد

تا پیش از سال ۱۳۸۵، دولت با سوبسیدهای خود، ناشران را از نوساناتی که در بازار واردات کاغذ اتفاق می‌افتاد حفظ می‌کرد. اما این سیستم به راحتی قابل دور زدن بود و گاهی ناشران در تیراژ کتاب‌هایشان اغراق می‌کردند تا بتوانند سوبسید بیشتری از وزارت ارشاد بگیرند. این رویه آنقدر بالاگرفت که در دهه ۸۰ صدای خود ناشرها درآمد که این سیستم باید تغییر کند.

دولت احمدی‌نژاد سوبسید کاغذ را بالکل حذف نمود. در ابتدا تاثیر این تغییر زیاد نبود. اما قیمت کاغذ به خاطر ناپایداری‌های اقتصادی و تحریم‌های اقتصادی ایران به شدت افزایش پیدا کرد و وقتی از رولی ۶هزار تومان به رولی ۶۰هزار تومان رسید، ناشران را از پا انداخت.

گواه

با توجه به وجود مشکلات اقتصادی و تورم اولین کالایی که از سبد کالای خانواده‌های ایرانی خارج می‌شود کتاب است. هرچند به نظر من کتاب هنوز در مقایسه با دیگر کالاهای مصرفی هنوز گران نیست، ولی هنوز پرداخت رقم‌هایی نظیر ۳۵ الی ۹۵ هزار تومان برای یک کتاب ۵۲۲ صفحه‌ای برای شهروندان ایرانی سخت است. در چنین بازاری که تقاضا برای خرید کتاب نیست همه عوامل دست به دست هم می‌دهند تا رکود و بی‌رونقی نصیب صنعت نشر ایران شود.

احمد تهوری، نشر ققنوس (مصاحبه، ۲۰۱۵)

کتاب یک کالای تجملی است. شما به غذا و پوشاک نیاز دارید و بعد از آن کتاب می‌خرید. این فقط قیمت کاغذ نیست که افزایش یافته است. وقتی درآمد یک خانواده کاهش می‌یابد، کتاب به کالایی غیرضروری تبدیل می‌شود. شما اول نیاز دارید که غذا بخورید بعد می‌توانید کتاب هم بخوانید. نمی‌توانید بگویید از شام صرف نظر می‌کنم تا بتوانم برای یک هفته کتاب بخرم.

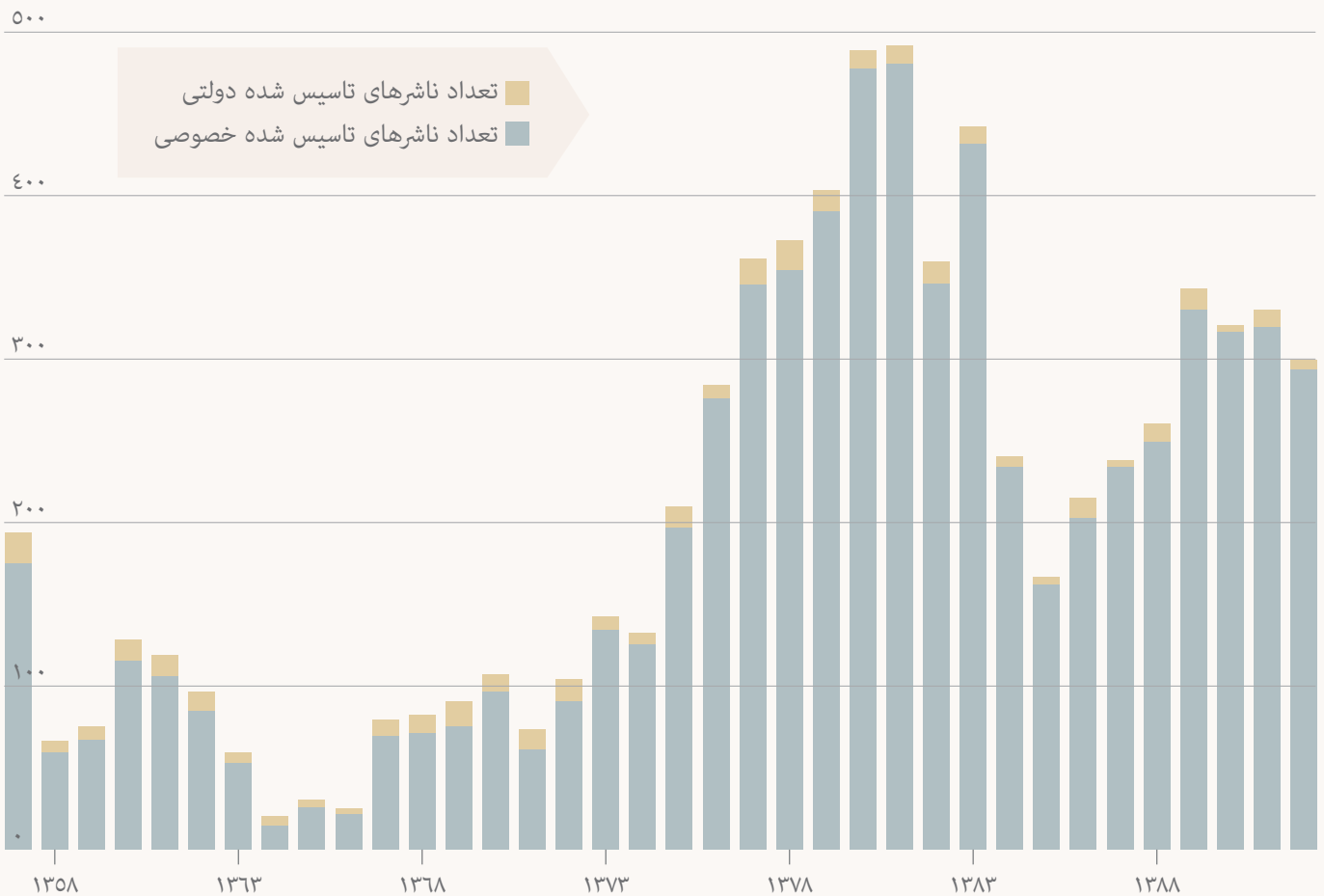
مهسا محب علی، نویسنده (مصاحبه، ۲۰۱۵)



فصل سوم

سقوط؛ افول در دوره احمدی‌نژاد

تعداد ناشرهای تاسیس شده در هر سال



شحنه‌تبار مدیر انتشارات شمع و مه در این زمینه می‌گوید:

ناشر دولتی بودجه دارد و هیچ دغدغه‌ای ندارد چون چه کتاب را توزیع کند چه نکند، فرقی نمی‌کند. فوقش اگر بدشانس باشد عوضش می‌کنند. اصلاً لازم نیست نگران فروش کتاب‌هایش باشد. اگر کتابی نفروشد هم شب راحت خوابش می‌برد و نگران برگشت خوردن چک‌اش نیست.

افشین شحنه‌تبار، مدیر نشر شمع و مه (مصاحبه، ۲۰۱۵)

در پایان دوره احمدی‌نژاد، قیمت کاغذ تثبیت شد اما بحران اقتصادی که بر جامعه سایه افکنده بود خیلی از نشرها را برای همیشه تعطیل کرد. قیمت کتاب‌ها شدیداً بالا رفت و تقاضا به همان شدت پایین آمد.

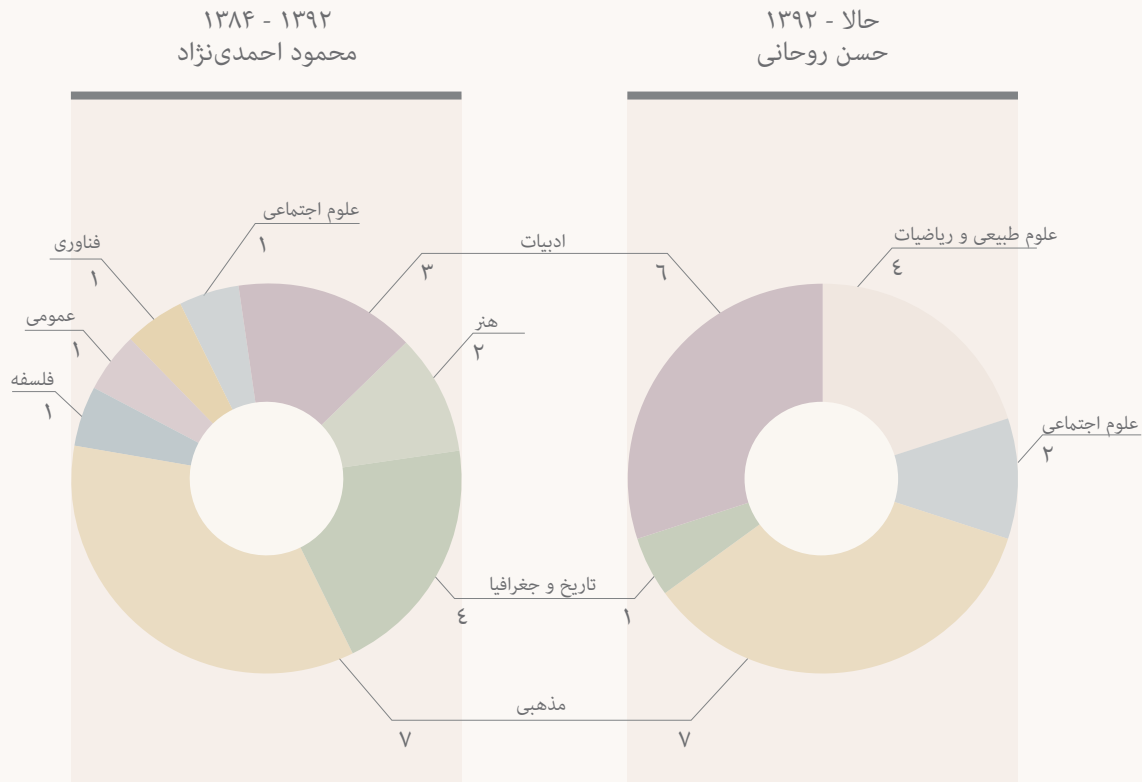
در آمار خانه کتاب مشخص نیست دقیقاً چند ناشر تعطیل شده‌اند اما آمار ناشران جدیدی که در زمان احمدی‌نژاد مجوز نشر گرفته‌اند را می‌توان بررسی کرد که نسبت به زمان خاتمی رشد بسیار اندکی دارد.

ناشرین دولتی طبیعتاً لطمه کمتری در این بحران خوردند. افشین

فصل سوم

مداخله دولت و خرید کتاب

کتاب‌هایی که توسط دولت خریداری شده براساس ژانر



صورت شفافیت و برخورداری از ساز و کار عادلانه، علنی و نظارت‌پذیر، یکی از محورهای کارآمد حمایت از کتاب و جایگزینی مناسب برای سوبسید کاغذ باشد، اما متأسفانه این نوع سیاست حمایتی نیز دستخوش همان آفت‌هایی شده است که سوبسید کاغذ با خود داشت.

ما فکر می‌کنیم اگر... برای برطرف کردن این مسائل و معضلات چاره‌ای اندیشیده نشود، در سال ۸۶ و سال‌های پس از آن شاهد وضعیتی بی‌سابقه و تاسف‌بار در حوزه کتاب و کتابخوانی خواهیم بود. (آی‌کتاب، ۲۰۰۷)

بعضی ژانرها حمایت بیشتری از طرف دولت جذب می‌کرد در حالی که باقی کتاب‌ها بالکل نادیده گرفته می‌شد. این حمایت‌ها البته ریشه در قوانین تصویب شده دارد که اجازه این مداخله را به دولت می‌دهد.

ما نمونه‌ای ۲۰ تایی از کتاب‌های خرید شده توسط دولت احمدی‌نژاد و همچنین دولت روحانی را با هم مقایسه کردیم تا دید تقریبی درباره کتاب‌های خرید شده به ما بدهد. این آمار نام ناشران را نیز داراست. آیا دولت واقعا از ناشرین حمایت می‌کند یا تنها کار ناشرین دولتی را راحت می‌کند؟

سوبسید سراسری کاغذ در زمان احمدی‌نژاد قطع شد اما دولت همچنان با سیاست قدیمی خود که خرید کتاب از ناشرین بود از ناشرین حمایت می‌کرد.

سیستم به صورتی گسترش پیدا کرده بود که بتواند نبود سوبسید کاغذ را جبران کند اما طولی نکشید که ناشرین شروع به اعتراض کردند. این سیاست نیز درگیر فساد شده بود.

در زمان خامنه‌ای، دولت آمار خرید کتاب خود را در هفته‌نامه‌ی کتاب هفته منتشر می‌کرد. اما دولت احمدی‌نژاد آمار و تصمیمات گرفته شده را علنی نمی‌کرد.

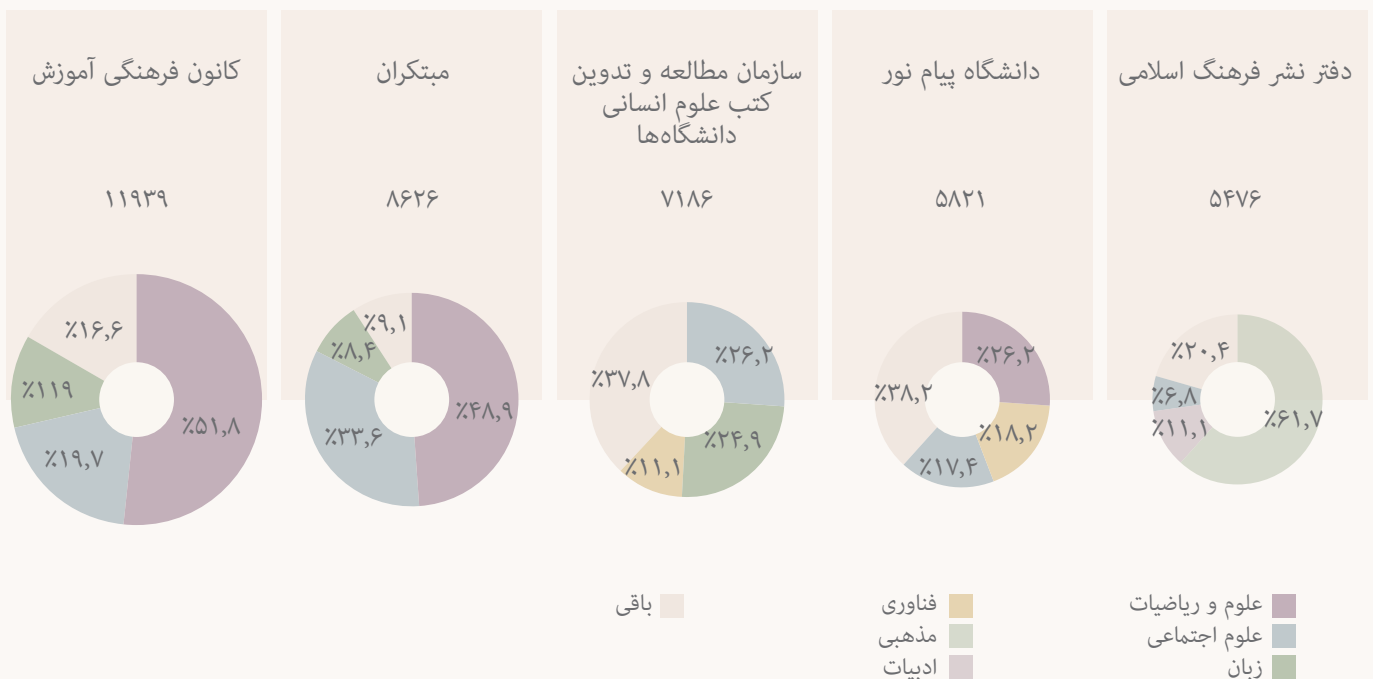
در سال ۱۳۸۴، اتحادیه ناشران تهران بیانیه‌ای صادر کرد و خواستار اصلاح فرایند خرید کتاب و شفافیت دولت شد:

دسترس‌پذیر کردن کتاب برای آحاد ملت یا به تعبیری جهت‌دهی سیاست‌های حمایتی از تولیدکننده به سوی مصرف‌کننده، از طریق خرید کتاب برای انواع کتابخانه‌ها از جمله کتابخانه‌های عمومی، مدارس و مساجد؛ می‌تواند در

فصل سوم

غول‌های نشر در ایران

فعال‌ترین ناشران ایران



این بدان معناست که ناشرین محلی با مشکلات سختی برای توزیع کارهایشان مواجه هستند. افشین شحنة تبار می‌گوید حتی ناشران شهرهای بزرگی چون اصفهان و شیراز هم کاملاً به زیرساخت‌های پایتخت متکی هستند:

این ناشران همه از تهران تغذیه می‌شوند. البته شیراز ناشران خوبی دارد اما به اندازه انگشتان یک دست نمی‌رسند. آنها هم کتاب‌هایشان را می‌فرستند تهران تا از آنجا به سراسر کشور توزیع شود. این انتقال از شهر به شهر بسیار هزینه‌بر است. گاهی این حمل و نقل کتاب به اندازه یک سوم قیمت تمام شده کتاب هزینه می‌برد.

افشین شحنة تبار مدیر انتشارات شمع و مه (مصاحبه، ۲۰۱۵)

نکته جالب آمار خانه کتاب این است که رتبه بیشترین میزان نشر به ناشرین مذهبی تعلق نمی‌گیرد. بلکه این ناشرین آموزشی هستند که در مقام اول قرار دارند. چهار ناشر اول ایران از نظر کمیت، تخصصشان در زمینه کتاب‌های آموزشی، زبان، علوم اجتماعی و علوم طبیعی و فناوری است. البته پنجمین ناشر، سازمان نشر فرهنگ اسلامی است که کتاب‌های مذهبی را در تعدادی قابل توجه منتشر می‌کند.

حدود ۶۴٪ شرکت‌های توزیع کتاب در تهران هستند و ۷۶٪ کتاب‌های منتشر شده از اول انقلاب تاکنون در تهران منتشر شده است. اگر ایران شبکه توزیع کارایی داشت البته این مرکزگرایی مشکلی ایجاد نمی‌کرد اما عدم وجود زیرساخت‌های لازم باعث می‌شود که همه چیز در تهران خلاصه شود و کتاب‌ها به خیلی از نقاط ایران نرسد.

گواه

شما تا ناشر تهرانی نباشید، خیلی کارها را نمی‌توانید بکنید. این خیلی نکته مهمی است. شما می‌توانید حتی ناشر کرجی باشید که در اصل در همان تهران هست، باز هم امتیازات ناشر تهرانی را ندارید. بخش عظیمی از صنعت نشر در داخل تهران است. و ناشر شهرستانی بدون وابستگی به تهران اصلاً نمی‌تواند کارش را پیش ببرد.

افشین شحنه‌تبار مدیر انتشارات شمع و مه (مصاحبه، ۲۰۱۵)



فصل ۵

جهانی نواشر الکترونیک و نوآوری

ما می‌توانیم با روش‌های مدرن، ادبیات مدرن فارسی را
زنده نگه داریم

آزاده ایروانی،
نشر نوگام

در این بخش بعضی از بزرگ‌ترین نوآوران در جامعه ناشران ایرانی خارج از کشور را بررسی می‌کنیم و نیز به معرفی ابزارهایی می‌پردازیم که ناشران زیرزمینی ایران از آنها استفاده می‌کنند.

فشار سانسور، تبعیض و نوسانات اقتصادی، آینده ادبیات فارسی معاصر را در خانه‌اش به خطر انداخته است. ولی ایرانیان خارج از کشور سال‌هاست که با نوآوری تلاش کرده‌اند فرهنگ ادبی تازه‌ای را به دور از نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران شکل دهند. در همین حال نویسندگان داخل کشور هم راه‌حلهایی خلاقانه برای جان به در بردن از تیغ سانسور ابداع کرده‌اند.

گواه

با نشر الکترونیک می‌توانیم بر مشکلات توزیع کتاب فائق شویم. به عبارت دیگر می‌توانیم با روش‌های مدرن، ادبیات مدرن فارسی را زنده نگه داریم.

آزاده ایروانی، سرویراستار نوگام (مصاحبه، ۲۰۱۴)

در ایران هنوز که هنوز است مردم فکر می‌کنند کتاب الکترونیک یعنی فایل پی‌دی‌اف کتاب اسکن شده. هیچ ناشری هم اعتماد نمی‌کند چون فضا فضای ناامنی است. بنابراین فایل کتاب را در اختیار موسسات نمی‌گذارند و اینکه نمی‌داند چند نسخه از آن فروخته شده است. قوانین مدیریت حقوق دیجیتال هم کامل و کافی نیست.

افشین شحنه‌تبار مدیر انتشارات شمع و مه (مصاحبه، ۲۰۱۵)

بیشتر ناشران این نگرانی را دارند که نتوانند در عرصه رقابت با آنها موفق عمل کنند لذا دارند خود را با این شرایط وفق می‌دهند و قراردادهایشان را با پدیدآورندگان آثار فرهنگی به نحوی تنظیم می‌کنند که در آن بتوانند کتاب را در موقع مناسب در سایت قرار دهند و نسخه الکترونیکی آن را به بازار عرضه کنند.

احمد تهوری، نشر ققنوس (مصاحبه، ۲۰۱۵)



فصل ۵

راه‌حل‌ها در خانه و خارج از کشور

با بعضی از ناشران خارج از کشور آشنا شوید:

نشری مانند نوگام نیز طرز کارش بسیار منحصر به فرد است. این نشر برای هر کتاب پذیرفته شده برای انتشار شروع به crowd-funding یا همان حمایت همگانی می‌کند و هزینه‌های کتاب را پیش از انتشار تامین می‌کند و پس از انتشار و پرداخت حق‌التالیف نویسنده، کتاب را رایگان برای دانلود می‌گذارد. کتاب‌های نوگام تا تیرماه ۱۳۹۴ حدود هفتاد هزار بار دانلود شده‌اند.

نشر باران: تاسیس شده در سال ۱۳۷۰ در استهکلم، سوئد. تا به امروز این نشر ۳۵۰ عنوان کتاب فارسی و ۱۰ عنوان کتاب به سوئدی منتشر کرده است.

ناکجا: تاسیس شده در سال ۱۳۹۱ در پاریس، فرانسه. این نشر کتاب‌های کاغذی، الکترونیکی و صوتی منتشر می‌کند.

ققنوس ناشری سنتی در ایران است. احمد تهوری ویراستار و مدیر روابط عمومی این نشر می‌گوید که نشر الکترونیک دارد در داخل کشور هم پا می‌گیرد.

نوگام: ناشر الکترونیک تاسیس شده در سال ۱۳۹۲ در لندن، بریتانیا. این نشر تا به حال ۲۵ کتاب به فارسی و یک کتاب به زبان انگلیسی منتشر کرده است. نوگام کتاب صوتی هم منتشر می‌کند.

اما زیرساخت‌های نشر الکترونیک در ایران هنوز آماده نیست. استفاده از کتاب‌خوان‌های الکترونیکی رایج نیست و با اینکه ضریب نفوذ اینترنت در ایران بالاست همچنان سرعت اینترنت در ایران پایین است. مهم‌تر از آن، ناشران نگاه بدبینانه‌ای به این فرم جدید دارند و خوانندگان هم اعتبار کمتری برای کتاب الکترونیک قائلند.

با اینکه انتشار کتاب در خارج از ایران از قید سانسور و دخالت‌های دولت آزاد است اما چالش‌های خودش را دارد. مهاجران ایرانی در دنیا زیاد هستند اما در نقاط مختلف دنیا پراکنده‌اند و این توزیع کتاب را برای ناشران سخت می‌کند. در پاسخ به این مشکل، ناشران به نشر الکترونیک روی آورده‌اند یا از مدل‌های ابتکاری همچون حمایت‌های همگانی و داوطلبانه برای نشر کتاب استفاده می‌کنند. آنها با استفاده از نشر الکترونیک نه تنها مشکل توزیع خارج از کشور را حل می‌کنند بلکه می‌توانند تا اندازه‌ای مخاطب داخل ایران را هم داشته باشند.

بازار کتاب ایران با سرعت اندک و احتیاط نشر الکترونیکی را می‌پذیرد. اما شاید برای کتاب‌های اقلیت و کتاب‌هایی که خارج از مرکز -تهران- تهیه می‌شوند، نشر الکترونیک یک راه‌حل باشد. در هر حال، به نظر می‌رسد که نویسندگان در این زمینه از ناشران جلوتر هستند و مشتاقانه راه‌های جدید خودناشری را تجربه می‌کنند.

البته ناشرانی چون ناکجا سعی می‌کند با ارائه چاپ کاغذی و الکترونیکی در کنار هم، به نیازهای مخاطبان مختلف پاسخ دهد.

و این فعالیت‌ها به اینترنت محدود نمی‌شود. نشر زیرزمینی و رشد چاپخانه‌های خصوصی و شخصی و تجهیزات لازم، امکان انتشار شخصی کتاب را به نویسنده می‌دهد.

گواه

نویسندگان خودناشر که از اینترنت برای توزیع کتاب‌های خود استفاده می‌کنند، در سال‌های گذشته و مخصوصاً با باز شدن فضا، بیش از گذشته فعال شده‌اند. به همین دلیل ما شاهد روندهایی هستیم که در حال تغییر بازار کتاب هستند. نویسندگانی هستند که ۱۰ هزار نسخه از کتاب‌های خود را به طور مستقل منتشر کرده و در اینترنت فروخته‌اند.

علی اصغر رمضان‌پور، معاون فرهنگی سابق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نشر زیرزمینی با رشد ماشین‌هایی که می‌تواند تعداد نسخه محدود ۲۰۰۰-۱۰۰ جلد، کتاب منتشر کند، به طرز قابل توجهی رشد کرده است. در مقطعی از زمان این دستگاه‌ها ممنوع بودند و شما برای خرید آنها نیاز به مجوز دولتی داشتید. در سال‌های اخیر تهیه این ماشین‌ها بدون فشارهای دولتی آسان شده است. حکومت دغدغه‌های مهم‌تری داشته! به لطف این ماشین‌ها نشر زیرزمینی هم رشد داشته است. برای مثال، کتاب‌فروشی‌های میدان انقلاب هرکتابی را که شما دنبالش هستید می‌فروشند. حتی آنهایی که ممنوع هستند مثل لولیتاخوانی در تهران.

علی اصغر رمضان‌پور، معاون فرهنگی سابق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



کلام آخر؛ نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

مشاهدات ما برای نویسندگان، ناشران، گروه‌های جامعه مدنی و کنشگران آزادی بیان در ایران:

- نشر آنلاین و خودناشری نویسندگان مسیر سهل‌تری را برای نویسندگان و ناشران مهیا می‌کند که در آن اختیار بیشتری دارند.
- همچنان که ضریب نفوذ اینترنت و گوشی‌های هوشمند در ایران رو به افزایش است، تعداد مصرف‌کنندگان بالقوه محصولات منتشر شده دیجیتال روی اینترنت نیز رو به افزایش است
- نشر الکترونیک می‌تواند با کنار گذاشتن بخش عمده‌ای از فرایند انتشار سنتی، کتاب‌ها را با هزینه کمتر منتشر کند. این خود باعث به وجود آمدن چشم‌انداز جذاب‌تری برای مخاطبان کتاب است که از نظر اقتصادی در مضیقه هستند.

شما می‌توانید نسخه کامل این گزارش را به زبان انگلیسی از وبسایت ما دانلود و مطالعه کنید یا به وبسایت تعاملی این گزارش مراجعه کنید و نمودارها و داده‌نماهای بیشتر را در رابطه با نشر ایران مشاهده و مطالعه نمایید.

حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ با وعده بازکردن فضای فرهنگی و رهایی از خفقان و سانسور شدید دوره قبلی انتخاب شد. این گزارش تا حدی نشان داد که چه پیشرفت‌هایی در بعضی بخش‌های مهم ایجاد شده و چه موانعی همچنان بر سر آزادی بیان در ایران وجود دارد.

مشاهدات و توصیه‌های ما را در ادامه بخوانید.

دولت جمهوری اسلامی ایران باید:

- سانسور پیش از انتشار را لغو کند.
- الزامات قبول کتاب را بردارد و وزارت ارشاد همه کتاب‌ها را در سیستم خود ثبت کند.
- مصوبه اصلاحی «اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» را بررسی و بازبینی کند و اطمینان حاصل کند که تناقضی با اصل ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر ندارد و به تعهدات خود برای دفاع از آزادی بیان عمل کند.
- ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های مناسب را برای حمل و توزیع کتاب، بر اساس ماده ۱۴ مصوبه اصلاحی «اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب» در سراسر کشور فراهم کند.
- به ناشران اقلیت زبانی به اندازه ناشران فارسی زبان اجازه انتشار بدهد.
- به تلاش‌های خود برای ریشه‌کن کردن بی‌سوادی ادامه دهد.
- تلاش‌های خود را برای ترویج کتاب‌خوانی در ایران افزایش دهد.